



## ماجرای ندای ملک داعی در ماه رجب چیست؟

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «خدای متعال در آسمان هفتم فرشته‌ای را قرار داده است که «داعی» گفته می‌شود. هنگامی که ماه رجب آمد، این فرشته در هر شب این ماه تا صبح می‌گوید: خوشا بحال تسبیح کنندگان خدا»

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «خدای متعال در آسمان هفتم فرشته ای را قرار داده است که «داعی» گفته می‌شود. هنگامی که ماه رجب آمد، این فرشته در هر شب این ماه تا صبح می‌گوید: خوشا بحال تسبیح کنندگان خدا»

به گزارش خبرنگار مهر، مرحوم آیت الله میرزا جواد ملکی تبریزی در کتاب المراقبات خود یکی از مراقبت های مهم در ماه رجب را به یاد داشتن حدیث «ملک داعی» عنوان می‌کند که از پیامبر (ص) روایت شده است.

در کتاب المراقبات آمده است:

«پیامبر اکرم (ص) فرمود: «خدای متعال در آسمان هفتم فرشته ای را قرار داده است که «داعی» گفته می‌شود. هنگامی که ماه رجب آمد، این فرشته در هر شب این ماه تا صبح می‌گوید: خوشا به حال تسبیح کنندگان خدا، خوشا به حال فرمانبرداران خدا. خدای متعال می‌فرماید: همنشین کسی هستم که با من همنشینی کند، فرمان بردار کسی هستم که فرمان بردارم باشد و بخشنده خواهان بخشایش هستم. ماه ماه من، بنده بنده من و رحمت رحمت من است. هر کسی در این ماه من را بخواند او را اجابت می‌کنم و هرکس از من بخواهد به او می‌دهم و هرکس از من هدایت بخواهد او را هدایت می‌کنم. این ماه را رشته ای بین خود و بندگانم قرار دادم که هرکس آن را بگیرد به من می‌رسد.»

افسوس از کوتاهی ما در طاعت خدا! کجایند شکرگزاران! کجایند تلاشگران! آیا عاقلان توان فهم حق این ندای آسمانی را دارند! چرا جوابی نمی‌شنوم! کجایند عارفانی که می‌دانند کسی توان شکر این نعمت را ندارد! کجایند کسانی که اقرار به کوتاهی و عجز دارند که در جواب این منادی آسمانی بگویند: اجابت کرده و یاریت می‌کنیم درود و سلام بر تو ای منادی خدای زیبا و جلیل، شاه شاهان، مهربان ترین مهربانان، خدای بردبار و کریم، رفیق دلسوز، صاحب عفو بزرگ، تبدیل کننده بدی های انسان به خوبیها، اینان بندگان گناهکار و طغیانگر، پست و اسیر شهوت ها و غفلت ها می‌باشند! ای فرستاده بزرگ خدا مردگان به ظاهر زنده را صدا می‌کنی کسانی که قلب هایشان مرده و عقل هایشان جدا و روح هایشان فاسده شده! چرا مردگان را صدا می‌زنی! کسانی که صدای تو سودی به آنان نمی‌رساند مگر اینکه با ندای تو قلب ها زنده شده، عقل ها بازگشته و روح ها بیدار شود و درباره ارزش و بهای گران این ندای آسمانی و بزرگی پروردگار و پستی نفس و سختی آزمایش و بدی حال خود بیندیشند. آنان شایسته راندن و دور نمودن و لعنت و عذاب هستند؛ ولی وسعت رحمت پروردگار باعث این دعوت بزرگ شده است، آن هم با این زبان و بیان لطیفی که بالاتر از تصور انسان و خواسته و آرزوی او است. اکنون با واسطه قرار دادن این ندای آسمانی و لطف بزرگ از خدا می‌خواهیم ما را موفق به اجابت این دعوت و کرامت بزرگ بدارد.

ای وعده دهنده سعادت! با خوش آمدگویی و کمال میل و جانفشانی ندای تو را اجابت می‌کنیم زیرا ما را به تسبیح کردن مالک کریم خود توجه دادی و ما را ترغیب به اطاعت از مولای مهربان خود کردی و ما را به کرامت پروردگار رساندی. ای منادی! زبان حال افراد پست پاسخ می‌دهند که ما را بهره مند ساخته و بزرگ داشتی و دعوت به بزرگترین سعادت ها نمودی. پستی و فساد و کوچکی ما کجا و تسبیح و تمجید خدایمان کجا! خاک کجا و خدای خدایان کجا! آلوده به پلیدی ها کجا و مجلس پاکان کجا! و اسیر در زنجیر کجا و منزل آزادگان کجا؟ ولی لطف پروردگار باعث شده تا به ما اجازه تسبیح خود را بدهد. و حکمت او ما را مشرف به این تکلیف کرده است. چه رسوایی بزرگی اگر بعد از این بخشش بزرگ در تسبیح او کوتاهی و در فرمان برداری او سستی کنیم! چه آقای کریمی و چه بنده های پستی، چه خدای بردبار و چه بندگان کم عقلی!

با گوش دل شنیدیم آنچه را از پروردگار به ما رساندی که «من همنشین کسی هستم که با من همنشینی کند» در حالی که بزرگی این ابلاغ هر زبانی را در عالم امکان و در تکلیف جواب آن، لال کرده و عاقلان از زیبایی این کرامت متخیر شدند. اگر هر کدام از مشرف شدگان به این خطاب دارای بدن تمام جهانیان و روح های تمام صاحبان روح بودند و تمام آن را در جواب و برای بزرگداشت این خطاب فدا می‌کردند، چیزی از حقوق آن را ادا نکرده و شکر حتی جزئی از آن را نمی‌توانستند بجا آورند. پس چرا انسان بیکاره پست از اجابت این دعوت غفلت می‌کند و در استفاده از این منزلت و مقام بزرگ کوتاهی می‌کند و به این هم بسنده نموده و به جای تمجید و تسبیح خدا، کسی را تمجید می‌کند که تمجیدش مستوجب آتش بوده، و به جای همراهی با فرشته های نزدیک خدا و پیامبران، در مجلسی که پروردگار جهانیان حضور دارد، به قرین شدن با جن ها و شیطان ها در میان طبقات جهنم راضی می‌شود.

خدای متعال می فرماید: همنشین کسی هستم که با من همنشینی کند، فرمان بردار کسی هستم که فرمان بردارم باشد و بخشنده خواهان بخشایش هستم. ماه ماه من، بنده بنده من و رحمت رحمت من است

عجیب تر از این دیده ای! دیده ای که خالق مخلوق را برای همنشین خود بخواند ولی مخلوق اجابت نکند و در حالی که آقا مناجات بنده و انس او را دوست دارد، بنده از قبول عنایت او خودداری کند! پس با تأسف و اعتراف به غفلت های خود و با ناچاری جواب می گوئیم: بله، ای پروردگار و آقا و ای مالک و مولا! اگر توفیق تو نصیب ما شده و در این دعوت عنایت تو شامل حال ما شود و با این دعوت ما را به کرامت برسانی &ndash; چنانچه از کرم تو جز این انتظار نمی رود و از کمال و بخشش تو جز این انتظاری نیست &ndash; چه سعادت بزرگی که در این صورت به بالاتر از آرزوی خود می رسیم. ولی وای بر ما اگر جز این باشد! در این حالت چه کنیم با این تیره روزی و مجازات دوری از رحمت حق! پس می گوئیم: و هیچ خدایی جز تو نیست. تو را تسبیح و تمجید می کنیم. ماییم ستمگران. خدایا به خود ستم کردیم و اگر ما را نبخشی و به ما رحم نکنی از زیانکاران خواهیم بود. بلکه به ناچاری بیشتر جسارت کرده، ذلت و پستی خود را آشکار نموده، با قسم های بزرگی نیز آن را تاکید کرده و عرض می کنیم: قسم به عزت و جلالت ای پروردگار ما! حتماً از دستورات تو سرپیچی، خود را هلاک کرده و بر تو می شوریم و فاسد می شویم، اگر با توفیق خود ما را نگهداری نکنی و با عنایت خود بر ما خوبی نکنی. زیرا توان و نیرویی نیست مگر با یاری تو.

پس از این با توفیق تو بیشتر گفته و با یاری تو در خواستن خود پافشاری می کنیم و به جناب قدس تو که نه، بلکه به حضرت رحمت و لطف بخاطر جلب عطوفت آقای خود و نازل شدن رحمت پروردگار خود عرضه می داریم: ای کریم ترین کریمان! و ای بخشنده ترین بخشندگان! ای کسی که خود را لطف نامیده است! ای منادی ما را در این ماه بزرگ به کرم تو دعوت و به لطف و رحمت اشاره و بزرگواری و بزرگداشت تو را برای ما گفت (ماه ماه من است و بنده بنده من و رحمت رحمت من) بنابراین با این دعوت ما میهمانان دعوت شده تو و درماندگان درگاہت گردیدیم.

و تو کسی هستی که دوست نداری میهمان دار از میهمان خود پذیرایی نکند؛ گر چه میهمان بر اثر عدم پذیرایی از بین نرود و میهمان دار از کسانی باشد که پذیرایی دارایی او را کم کند. و اگر از ما پذیرایی نکنی، در پناه تو گرسنه مانده و از بین می رویم در حالی که پذیرایی و احسان دارائیت را بیشتر می کند. ای کسی که نیکوکاری چیزی از او کم نکرده و محروم نمودن چیزی به او اضافه نمی کند! ما را بخاطر بدیمان مجازات مکن. کسی هستی که بهای بیشتری به من دادی و به کسانی که مهمان نبوده ولی مضطر باشند، وعده اجابت دادی و در کتابت وعده برطرف کردن گرفتاری آنان را دادی و اکنون ای پروردگار! ما محتاج بخشایش تو و نجات از مجازات دردناکت می باشیم و هیچ نیاز و اضطراری بالاتر از این اضطرار نیست. پس کجاست اجابت و برطرف کردن گرفتاری! ای بخشاینده! دست ما را بگیر و از ورطه هلاک شدگان و سقوط زیانکاران نجات ده. و چنانچه ماه، ماه تو، بنده، بنده تو و رحمت رحمت تو است، دست زدن و گرفتن طناب نجات تو نیز تنها با توفیقی از جانب تو میسر است. زیرا تمام خیرها از تو بوده و در غیر تو یافت نمی شود. از کجا به خیر برسیم در حالی که خیری یافت نمی شود مگر از ناحیه تو و چگونه نجات پیدا کنیم در حالی که کسی نمی تواند نجات یابد مگر با کمک تو».